

بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در

بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله

نازمحمد اونق^۱

ناصر حقی^۲

عبدالخلیل صوفی خجسته^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۳/۲۸

چکیده

تحقیق حاضر به مطالعه رابطه بین میزان دین‌داری و مدارای اجتماعی در بین دانشجویان شهر کلاله پرداخته است. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر از نوع پیمایش بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد و پیام نور در شهر کلاله بود. نمونه آماری ۳۰۶ نفر بود. ابزارهای اندازه‌گیری دو پرسشنامه بود که عبارتند از: اقتباسی از پرسشنامه دین‌داری گلارک و استاک و پرسشنامه مدارای اجتماعی برگرفته شده از وگت. در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از نتایج تحقیق حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد که رابطه معناداری بین دین‌داری با مدارای اجتماعی وجود دارد ($\text{sig}=0/002$)، و همچنین بیشترین میزان تأثیر بر مدارای اجتماعی مربوط به بعد شناختی دین‌داری می‌باشد ($\text{Beta}=0/296$)، در ادامه بیش از ۱۹٪ از واریانس مدارای اجتماعی توسط مؤلفه‌های دین‌داری تبیین می‌گردد ($R^2=0/197$) و بیشترین میزان تأثیر بر مدارای اجتماعی مربوط به مؤلفه مناسکی دین‌داری می‌باشد ($\text{Beta}=0/405$) و در ادامه مؤلفه اعتقادی با کنترل سایر مؤلفه‌ها بیش از ۴٪ از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نموده و همچنین مؤلفه عاطفی تأثیر ناچیزی گذاشته، مؤلفه مناسکی بیش از ۱۰ درصد، مؤلفه عاطفی بیش از ۳ درصد.

واژگان کلیدی: دین‌داری، مدارای اجتماعی، گلارک و استاک، مدارای اجتماعی وگت، مؤلفه مناسکی، مؤلفه اعتقادی.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد پارس‌آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

مقدمه

مسئله همزیستی و روابط اجتماعی در تاریخ بشر، هیچ‌گاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده زیرا آدمیان هرگز ضرورت تفاوت را چنین ملموس و گسترده، به صورت رویارویی هر روزه با «دیگر بودگی» تجربه نکرده بودند (والزر، بی‌تا؛ به نقل از عسگری، ۱۳۸۸: ۲). در واقع در جامعه جدید و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی، برگ‌نوینی از تاریخ ورق می‌خورد و مردمان سراسر دنیا، امکان تعامل وسیع و مداوم با یکدیگر را پیدا می‌کنند. با وجود چنین روابط گسترده، بی‌شک تفاوت‌ها و تناقضات نیز افزایش پیدا می‌کنند و لذا پذیرش و درک نظرات متفاوت یا همان مدارای اجتماعی حائز اهمیت خواهد بود. منظور وگت از مدارای اجتماعی، مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن، چه آن‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند (فلیپس^۱، ۲۰۰۴). زندگی بشر در طول تاریخ هیچ‌گاه از جنگ و درگیری در امان نبوده است و هیچ برهه‌ای از تاریخ را نمی‌توان سراغ گرفت که برای مدت طولانی مردم در صلح و آرامش زندگی کنند و سایه وحشت‌زای جنگ را بر سر خود حس نکنند. از جنگ‌های محلی و منطقه‌ای گرفته تا نبردهایی در ابعاد کشوری و جهانی. منشاء این نبردها را می‌توان در تضاد و تفاوت‌های قومی، نژادی، سیاسی و مذهبی و یا به قول دیگر در عدم درک و تحمل تفاوت‌ها و پذیرش آن جستجو کرد. از طرفی فشارهای روانی ناشی از زندگی مدرن و تغییرات سریع اجتماعی که تحت تأثیر رشد سریع زندگی صنعتی شکل می‌گیرد، تأثیرات عمده‌ای بر روابط و پذیرش تفاوت‌های افراد گذاشته است؛ با وجود این شواهد تاریخی گویای نیاز مبرم و ذاتی انسان به زندگی جمعی بوده است و همزیستی انسان‌ها در کنار یکدیگر مسئله‌ای است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته است و انسان‌ها در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۱). باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه با یکدیگر متفاوت هستند با یکدیگر اختلاف دارند و اگر بیشتر آن‌ها اهل مدارا نباشند صلح اجتماعی پیش نخواهد آمد؛ بنابراین در جامعه در حال رشد و تغییر مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود. ویلیامز بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف عقاید متفاوت داشته باشند و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نداشته باشند تساهل امری ضروری خواهد بود (ژاندرن، ۱۳۷۸). بنابراین مدارا و تحمل گروه‌ها در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی و ... دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. مدارا که در نظم و نثر فارسی شایع است در اصل "مداراة" است به زیادت‌های مصدری و در لغت به این معنا آمده است: رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی، رفق، مماشات، تسامح، بردباری، تحمل، خضوع و فروتنی ... مدارا کردن، مهربانی کردن، نرمی نمودن، شفقت، ملایمت نشان دادن، تحمل کردن، بردباری نمودن و سازگاری نشان دادن (دهخدا، ۱۳۹۰). حال با توجه به این که اکثر جوامع

^۱ phelps

از یک سنت دینی قوی برخوردارند، یکی از عواملی که می‌تواند در نهادینه کردن سنت مدارا و روابط اجتماعی در جامعه نقش عمده‌ای ایفا کند، نحوه برخورد دین‌داران با تنوعات موجود در زندگی اجتماعی است. در واقع دین، هنجارها و قواعدی را برای معتقدانش تجویز می‌کند که در اعمال و رفتار آن‌ها در مناسبات روزانه و از جمله در مدارا با کسانی که مورد قبول فرد دین‌دار^۱ نیستند تأثیرگذار است. در این میان دین‌داری از جمله عوامل تأثیرگذار بر سلامت و روابط اجتماعی می‌تواند باشد که نیاز به بررسی‌های بیشتر در این زمینه احساس می‌گردد. دین به شکل خاصی در هر فرهنگ شناخته شده‌ای وجود دارد (وولف^۲، ۱۹۹۷).

بعید است که متوجه این حقیقت نشویم که سنت‌های مذهبی و اجتماعات دینی از اهمیت سیاسی و اجتماعی تازه‌ای برخوردار شده‌اند که تاکنون غیر منتظره بوده است. این حقیقت دست کم برای گروهی از ما که از مرکز عرفی موجود در جریان اصلی علوم اجتماعی پیروی می‌نموده‌اند و به این فرض باور داشته‌اند که مدرنیته با دنیوی شدن به معنای کم‌رنگ شدن نفوذ عقاید و ارزش‌های دینی در عرصه اجتماعی که در زمینه کلی اجتماع ملازمه تام دارد کاملاً^۳ "دور از انتظار می‌باشد". این سخنان یورگن هابرماس^۴ در هنگام دریافت جایزه هولمر بیانگر این حقیقت است که علی‌رغم پیش‌بینی‌های مارکس^۵، فروید^۶ و دیگران در مورد افول دین، شاهد آن چیزی هستیم که برگر^۷ با تجدیدنظر در نظریات قبلی خود آن را افول سکولاریزم نامیده و عصر حاضر را "عصر جهانی دین" می‌نامد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین نمی‌توان از نقش دین در تحلیل مسائل جهان امروزی به ویژه مسائل اجتماعی غفلت نمود.

حال جای تأمل است که در قرن بیستم اعتقاد غالب دانشمندان و جامعه‌شناسان بر این بود که دین عاملی منفی در بهداشت روانی و روابط اجتماعی و یا حداکثر عاملی خنثی است. این اعتقاد ریشه در افکار فروید داشت که معتقد بود اعتقادات مذهبی نوعی مکانیسم دفاعی هستند که زاینده نیاز فرد به تحمل‌پذیر کردن تنهایی اوست. نظریه‌پردازان بالینی نیز معتقد بودند افراد دارای عقاید مذهبی قوی، بدگمان‌تر، غیر منطقی‌تر، بی‌ثبات‌تر و دارای احساس گناه بیشتری نسبت به دیگران هستند و توانایی کمتری برای مقابله با مشکلات زندگی دارند؛ بنابراین، در تمام طول قرن بیستم اصول و مقوله‌های معنوی به عنوان موضوعاتی ممنوعه در بیشتر انواع درمان‌ها مطرح بودند (کامر^۸، ۲۰۰۵). اریک فروم^۹ (۱۹۵۰؛ به نقل از میلر^۹، ۲۰۰۳)، نیز بر این باور بود که مذهب مستبدانه و بی‌انعطاف در فرد حالات نوروز نوروز ایجاد می‌کند، اما دین انسان‌گرایانه و خوش‌بینانه باعث رشد استعدادهای فرد و ارتقای سطح

1. religious

2. Wulff

3. Jurgen Habermas

4. Carl Marx

5. Sigmund Fried

6. Peter Berger

7. Comer

8. Erich Fromm

9. miller

سلامتی وی می‌گردد. از طرفی در دنیای قرن بیستم دین مانعی بر سر راه مدرنیزاسیون جوامع بشری و نشانه‌ی کهنه‌پرستی بود. انسان کنونی در مرحله گذر از دوران مدرن به سوی دنیای پست مدرن است، اما تصویر زندگی او با دلزدگی و مادی‌گرایی مخدوش شده است. در جوامع انسانی خصوصاً جوامع ثروت-مند، احساس بی‌معنایی و عدم خوشبختی علی‌رغم رفاه مادی افزایش یافته است. تجربه نشان داده است که مادی‌گرایی در ایجاد شادی و احساس خوشبختی موفق نبوده است. افرادی که توجه بیشتری به ثروت، ظاهر شخصی و شهرت دارند، بیشتر دچار افسردگی، کاهش انگیزه برای زیستن و دردهای جسمانی، دوری از اجتماع و عدم پذیرش اطرافیان می‌شوند. تحقیقات نشان داده است که مادی‌گرایی باعث به خطر انداختن مراودات اجتماعی و سلامت جسمانی افراد می‌شود (کسر^۱، ۲۰۰۲؛ به نقل از عنایت‌الله^۲، ۲۰۰۵). حال لازم به ذکر است که دین مبین اسلام با ارزش‌های اصیل خود که مبتنی بر فطرت انسان است، رهنمودهای متناسب با تمامی مراحل و شرایط زندگی انسان دارد. با توجه به شمول احکام اسلامی، در مرحله تشکیل حکومت اسلامی توسط رسول اکرم (ص)، در مرحله فرآیندها نیز یک نظام کاربردی ارایه می‌دهد که می‌تواند چراغ راه بشریت در زمینه مدیریت انسان‌ها و جوامع شود. از این رو دین به عنوان نظام اعتقادی سازمان یافته همراه با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف شده است که تعیین کننده شیوه پاسخ‌دهی افراد به تجارب زندگی است (زولینگ و همکاران^۳، ۲۰۰۶). هم‌چنین دین‌داری به عنوان جستجوی شخصی یا گروهی تقدس که در یک بافت مقدس سنتی ظاهر می‌شود، در نظر گرفته شده است (زینبائر و پارگامنت^۴، ۲۰۰۵) که چنین تعریفی تفاوت مفهومی بین دو سازه معنویت و دین‌داری را روشن می‌کند، چرا که معنویت تجربه کاملاً شخصی مقدس است، درحالی که دین بیشتر شامل کیفیاتی است که به بافت دینی سنتی فرد اشاره می‌کند (کلی^۵، ۲۰۰۸). اعتقاد بر این است که هر دو سازه، یعنی دین‌داری و معنویت جزء عوامل اجتماعی و روان‌شناختی مهم در زندگی انسان‌ها هستند (ساواتزکی و همکاران^۵، ۲۰۰۵). این در اغلب موارد نقشی میانجی دارد و در چنین شرایطی بر فرآیندهای فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره فرد تاثیر می‌گذارد، به طوری که برخی پژوهشگران بر این باورند که به کمک باورهای دینی مقابله با هیجان‌ها و شرایط و تفاوت‌های اجتماعی تسهیل می‌گردد (دینر، کوکاس و اویشی، ۲۰۰۲؛ به نقل از هادیانفر، ۱۳۸۴). پژوهش‌های متعددی در زمینه تأثیر دین بر سازه‌های اجتماعی و روان‌شناختی انجام گرفته‌اند و اغلب حاکی از تأثیر مثبت آن بر مراودات اجتماعی، بهداشت روانی و پذیرش تفاوت‌هاست. از جمله عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود با عنوان رابطه بین دین‌داری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

1. Kasse

2. Inayatulla

3. Zulling

4. Zinnbauer & Pargament

5. sawatzky

تبریز نشان دادند که دخالت دادن دین در تصمیم‌ها و انتخاب‌ها بیشتر از دیگر ابعاد دین در کارکرد خانواده تأثیر دارد. نتایج مطالعه حاضر به صورت تلویحی به این مسئله اشاره دارد که دین اسلام هم دارای رهنمودهای فردی و هم اجتماعی است (دهخدا، ۱۳۹۰).

همچنین دین یک واقعیت مشخص عینی است که مورخین آن را مطالعه می‌کنند. دین را می‌توان از دیدگاه آیین‌ها، شخصیت‌های نمادین و انواع دعاها بررسی کرد. فرد دین‌دار به نوعی با یک منبع آفرینش که بر زندگی بشر و امور طبیعی تأثیر دارد، ارتباط برقرار می‌کند. متأسفانه علی‌رغم اهمیت آشکار دین برای افراد و اجتماعات؛ جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، با کمال تعجب، به این موضوع کمتر توجه کرده‌اند. به عبارت دیگر در طول سال‌های تعیین‌کننده برای روان‌شناسی اجتماعی اگرچه دین مورد علاقه بسیاری از دانشمندان از جمله ویلیام جیمز و استانلی هال قرار گرفت؛ اما مطالعه دین مانند دیگر موضوعات سنتی مانند روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت توجه زیادی را در میان پژوهش‌های روان‌شناسی به خود جلب نکرده است. پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، با بررسی رابطه میان ابعاد شخصیت و مذهب به شکل گسترده‌ای انجام پذیرفته است. وینک و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، نشان دادند که در اواخر نوجوانی مذهبی بودن رابطه مثبت با وظیفه‌شناسی و سازگاری داشت و جستجوی معنویت با باز بودن برای تجربه رابطه مثبت داشت. نوجوانانی که از ویژگی شخصیتی خوشایندی برخوردار بودند به لحاظ شخصیتی در طول زندگی مذهبی بودند و مذهبی بودن در نوجوانی با خوشایندی در طول زندگی قابل پیش‌بینی بود. مدارا از جمله مفاهیمی است که در مطالعات تجربی و میدانی، به ویژه در رشته جامعه‌شناسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این کاستی در عرصه تحقیقات، به ویژه در داخل ایران، به وضوح قابل پیگیری است. با توجه به مطالب بیان شده در خصوص اهمیت مدارای اجتماعی و تأثیر دین و دین‌داری بر آن و از آن جایی که پژوهش حاضر بر روی دانشجویان انجام می‌گردد؛ پژوهش حاضر در پی آن است که آیا بین میزان دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟ پاسخ‌دهی به این سؤال محقق را به منظور ارائه خدمات بهتر یا فراهم‌سازی نوعی رشد جهت بهبود روابط و مدارای اجتماعی دانشجویان کمک شایانی خواهد کرد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق

- تعیین میزان دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله.

^۱ Wink & et al.

اهداف اختصاصی تحقیق

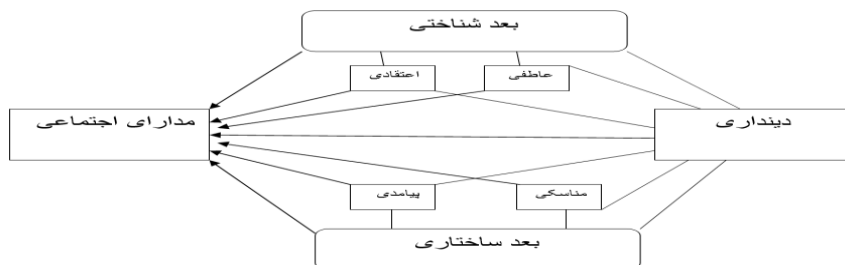
- تعیین رابطه بین میزان بعد شناختی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کالاه
- تعیین رابطه بین میزان بعد ساختاری دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کالاه
- تعیین رابطه بین میزان مؤلفه اعتقادی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کالاه
- تعیین رابطه بین میزان مؤلفه عاطفی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کالاه
- تعیین رابطه بین میزان مؤلفه مناسکی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کالاه
- تعیین رابطه بین میزان مؤلفه پیامدی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کالاه.

مبانی نظری

با آن که واچ (۱۹۵۱)، برای نخستین بار این نکته را مطرح کرد که تجربه دینی ادیان دارای سه بعد است که عبارت است از، بعد مفهومی یا نظری، آیینی یا عملی و جامعه‌شناختی یا جمع، اما آثار گلاک و استارک^۱ توجه پژوهشگران را به سوی تعریف چند بعدی از دین جلب کرد.

گلاک و استارک در کتاب ماهیت اجتماعات دینی اذعان کرده‌اند که با وجود تفاوت در میان ادیان مختلف، وجوه مشترکی را در میان آن‌ها یافت. این وجوه یا عرصه‌ها درحقیقت ابعاد دین‌داری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و فکری می‌باشد (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳)، که در پژوهش حاضر به دو بعد ساختاری و شناختی تقسیم گردیدند. با توجه به مطالب مذکور جهت ارائه مدلی برای تحقیق؛ ابعاد متغیرهای پژوهش برای مدل به قرار زیر می‌باشد:

^۱ Glock & Stark



شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

پیشینه تحقیق

سراجزاده و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی با نمونه آماری متشکل از ۳۳۵ نفر از دانشجویان نشان دادند که تأثیر دین‌داری بر ابعاد مختلف مدارا متفاوت است و هر چه افراد دین‌دارتر باشند مدارای آنان نسبت به مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیرمسلمان کمتر است، اما دین‌داری بر مدارای سیاسی، مدارای ملیتی و مدارای قومی تأثیر چندانی ندارد. قاسمی و امیری اسفرجانی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دین‌داری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی با نمونه آماری متشکل از ۳۸۴ نفر در شهر اصفهان نشان دادند که دین‌داری به میزان ۱۴٪ بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد و این تأثیر در سطح کمتر از ۰/۰۵ و معنادار بوده است. از بین ابعاد دین‌داری، بعد اعتقادی بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی داشته است.

شاطر یزدی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان رابطه دلبستگی با بهداشت روانی و گرایش دینی در دانشجویان ارشد روان‌شناسی با حجم نمونه آماری ۲۴۰ نفر نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و بهداشت روانی رابطه وجود دارد و در کل دانشجویان بین نمره سبک دلبستگی دوسوگرا و نمره شاخص ضریب کلی علائم مرضی ارتباط مثبت معناداری دیده می‌شود.

نتایج پژوهش عبدالله‌پور، آذری، قلی‌زاده، مهدوی اقدام و اشرفی زکی (۱۳۸۸)، با عنوان رابطه بین دین‌داری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز با نمونه آماری ۴۰۰ نفری نشان داد که دخالت دادن دین در تصمیم‌ها و انتخاب‌ها بیشتر از دیگر ابعاد دین در کارکرد خانواده تأثیر دارد. نتایج مطالعه فوق به صورت تلویحی به این مسئله اشاره دارد که دین اسلام هم دارای رهنمودهای فردی و هم اجتماعی است.

چراغی و مولوی (۱۳۸۵)، در پژوهش خود با عنوان رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان دادند که تفاوت نمرات دین‌داری در دو جنس معنادار نبوده و این که رابطه منفی بین افسردگی و بعد اعتقادی و مناسکی دین وجود دارد. هم‌چنین در مورد ارتباط بین بعد تجربه‌ای دین‌داری با کارکرد اجتماعی نیز می‌توان به همبستگی بالای بعد تجربه‌ای با بعد اعتقادی دین‌داری اشاره کرد.

افشانی (۱۳۸۱)، در پژوهش خود تحت عنوان بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۳۳۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی نشان داد که جنسیت، تحصیلات، تحصیلات والدین، وضعیت تأهل و نیز پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد تأثیر معنی‌داری بر مدارای سیاسی ندارند در حالی که اثر دین‌داری بر مدارای سیاسی منفی و معنی‌دار است.

نتایج تحقیق بهرامی احسان (۱۳۸۱)، نشان داده است که بین جهت‌گیری مذهبی و عزت نفس همبستگی مثبت بالایی وجود دارد. همچنین نمرات جهت‌گیری مذهبی و دو جنبه حالت و رگه اضطراب دارای رابطه معکوس بودند. او بیان می‌دارد که مذهب قادر است نقش درونی در تأمین سلامت روانی افراد ایفا نماید. از طرفی، چارچوب‌های مرجع مذهبی، همچون مکانیزم‌های مقابله‌ای، عزت نفس و اضطراب را کنترل می‌نماید.

میر زمانی و محمدی (۱۳۸۰)، نیز ارزش‌های مذهبی تعدادی از بیماران روانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها در این مطالعه از آزمون ارزش‌های مذهبی آلپورت برای سنجش ارزش‌های مذهبی و SCL90 برای سنجش علایم روانی استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که ارزش مذهبی در بیماران روانی به شکل معناداری کمتر از افراد گروه کنترل است. از دیگر یافته‌های تحقیق مذکور این بود که بین شدت اضطراب و افسردگی و ارزش‌های مذهبی همبستگی منفی و معناداری مشاهده شد.

فتحعلی (۱۳۷۸)، نیز به بررسی رابطه بین افسردگی و نگرش‌های مذهبی در دانش‌آموزان پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نیز موید وجود رابطه معکوس بین شدت افسردگی و نمرات آزمون نگرش‌های مذهبی بود. از دیگر یافته‌های این تحقیق این بود که تفاوت معناداری در میزان جهت‌گیری مذهبی و افسردگی در دانش‌آموزان دختر و پسر وجود ندارد.

کامر^۱ (۲۰۰۵)، به پژوهش‌هایی استناد کرده و بیان می‌کند افراد مذهبی در مقایسه با افراد غیرمذهبی و کسانی که خداوند را سرد و بی‌توجه به خود می‌پندارند، کمتر احساس تنهایی کرده و کمتر به بدبینی، افسردگی و اضطراب دچار می‌شوند. آن‌ها در برابر استرس‌ورهای عمده زندگی از بیماری گرفته تا جنگ بهتر مقابله می‌کنند و کمتر اقدام به خودکشی می‌کنند.

نتایج پژوهش جانسون و جانگ^۲ (۲۰۰۴)، با هدف بررسی تأثیرات دین‌داری بر افسردگی در میان آمریکائیان آفریقایی‌تبار نشان داد که عقاید دینی و دین‌داری با تشویق انجمن‌ها و افراد به صداقت و دیگر ارزش‌های اخلاقی باعث بالا رفتن روابط اجتماعی افراد از طریق ایجاد اعتماد و صداقت در روابط آن‌ها و تعاملات مثبت میان آنان است؛ بنابراین این بر اساس نتایج مشاهده شده محققان به تأثیر مثبت دین‌داری بر روابط اجتماعی دست یافتند.

^۱ Comer

^۲ Johnson & Jang

یونگ^۱ (۲۰۰۴)، در پژوهش خود با عنوان پیوند میان دین‌داری مشارکت‌های داوطلبانه و سرمایه اجتماعی نشان داد که مشارکت‌کنندگان در امور مذهبی نگران گروه‌های مختلف مردم و در صدد کمک به آن‌ها هستند و در مقایسه با گروه‌های دیگر از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. این افراد هم-چنین به شدت به محافل اجتماعی کوچک محدود می‌شوند. باین همه، ظاهراً مشارکت‌های داوطلبانه مذهبی نشان دهنده سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالایی در بین افراد است. از سوی دیگر افراد دین‌دار ممکن است، به دلیل گرایش‌های نوع دوستانه و اشتیاق برای کمک به دیگران به منزله سرمایه اجتماعی برون‌گروهی توصیف شوند؛ اما قطعاً نماد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در زندگی فردی هستند. نتایج دیگر تحقیق نشان داده است که هر چه افراد مذهبی‌تر باشند (دین‌دارتر باشند) احتمال مشارکت‌های داوطلبانه آن‌ها در برنامه‌های دینی بیشتر است.

کارپف^۲ (۲۰۰۲)، در پژوهش خود با عنوان دین‌داری و مدارا در ایالات متحده و لهستان با هدف مقایسه تأثیر دین‌داری بر مدارا در این دو کشور نشان داد که دین‌داری با ویژگی عمومی آن تأثیر منفی بسیار اندکی بر مدارا دارد، آن چه که رابطه دین‌داری با عدم مدارا را تشدید می‌کند، دین‌داری سیاسی است، به این ترتیب که دین‌داری که معتقدند کلیسا باید در قدرت سیاسی دخالت کند، کمتر اهل مدارا هستند.

واتناو^۳ (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان مشارکت‌های مذهبی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بر روی جمعیت بزرگسالان آمریکا نشان داده است که مشارکت‌های مذهبی و انجام مناسک دینی چون حضور در کلیسا هیچ رابطه معناداری با میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی ندارد؛ اما یافته‌های وی نشان داده است که عضویت در یک اجتماع دینی و انجام مناسک دینی و به طور خلاصه دین‌داری معنادارترین رابطه را با روابط اجتماعی درون‌گروهی دارد.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق

- بین میزان دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان بعد شناختی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.

1. Yeung
2. Karpove
3. Wuthnow

۲. بین میزان بعد ساختاری دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان مؤلفه اعتقادی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان مؤلفه عاطفی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان مؤلفه مناسکی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان مؤلفه پیامدی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کلاله رابطه وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

دین‌داری

دین کلمه‌ای عربی است به معنای جزا و پاداش و عبارت است از: اعتقاد به خالق هستی و مجموعه قوانینی که از جانب او بر بشر عرضه گردیده است. همچنین دین به معنای اطاعت و آیین و شریعت است؛ یعنی وضع و تأسیس الهی که مردم را به رستگاری هدایت می‌کند و شامل عقیده و عمل است (منظری توکلی و عراقی‌پور، ۱۳۸۹). دین‌داری را می‌توان پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دین‌دار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند، دانست (یغمایی، ۱۳۸۹). دین‌داری و حیات دینی امور نامتعارف استثنایی و غیر عادی نیست، بلکه دین‌داری می‌تواند در متن زندگی روزمره افراد ظهور و بروز داشته باشد و به همه افکار، احساسات و رفتار فرد جهت خاصی اعطاء کند. دین به عنوان نظام اعتقادی سازمان یافته همراه با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعریف شده است که تعیین کننده شیوه پاسخگویی افراد به تجارب زندگی است (زولینگ و همکاران، ۲۰۰۶). در این پژوهش، دین‌داری یعنی میزان نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک کسب می‌کنند.

در این پژوهش منظور از عملیاتی کردن مؤلفه اعتقادی دین‌داری، میزان نمره‌ای است که آزمودنی‌ها با توجه به پاسخ دادن به تعدادی از گویه‌های مربوط به مؤلفه اعتقادی دین‌داری پرسشنامه کسب می‌کنند که به بررسی مولفه‌های مانند توهین یا عدم توهین به ادیان دیگر، دیدن مراسم دینی سایر ادیان، اعتقادات و باورهای اقلیت‌های دینی، عدالت، طرز تفکر و ... می‌پردازد.

¹ Zulling, Ward & Horn

در این پژوهش منظور از عملیاتی کردن مؤلفه عاطفی دین‌داری، میزان نمره‌ای است که آزمودنی‌ها با توجه به پاسخ دادن به تعدادی از گویه‌های مربوط به مؤلفه عاطفی دین‌داری کسب می‌کنند که به بررسی مؤلفه‌هایی مانند حقوق انسانی، احترام و .. می‌پردازد.

در این پژوهش منظور از عملیاتی کردن مؤلفه مناسکی دین‌داری، میزان نمره‌ای است که آزمودنی‌ها با توجه به پاسخ دادن به تعدادی از گویه‌های مربوط به مؤلفه مناسکی دین‌داری پرسشنامه کسب می‌کنند که به بررسی مؤلفه‌هایی مانند طرز پوشش در عبادات، مراسمات مربوط به دین‌داری، آزادای عمل در برگزاری مراسم و ... می‌پردازد.

در این پژوهش منظور از عملیاتی کردن مؤلفه پیامدی دین‌داری، میزان نمره‌ای است که آزمودنی‌ها با توجه به پاسخ دادن به تعدادی از گویه‌های مربوط به مؤلفه دین‌داری پرسشنامه کسب می‌کنند که به بررسی مؤلفه‌هایی مانند گویش و پوشش و نحوه صحبت کردن اقوام مختلف، آزادای‌های فردی می‌پردازد.

مدارای اجتماعی

تسامح یا تلرانس یا مدارا، به عمل عمدی‌ای گفته می‌شود، برای پذیرش یا اجازه دادن به چیزی که شخصاً قبول ندارد. کسی می‌تواند به شکل معنادار در مورد مدارا (پذیرفتن یا اجازه دادن) صحبت کند که در موقعیتی باشد که بتواند نپذیرد یا اجازه ندهد. این اصطلاح هم‌چنین در معنای تحمل و تاب آوردن یا پشتیبانی، حمایت یا نگه داشتن هم تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۹۰). مدارای اجتماعی: در این پژوهش، مدارای اجتماعی یعنی میزان نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از پرسشنامه مدارای اجتماعی اقتباس شده و گت کسب می‌کنند.

روش تحقیق

روش تحقیق پیمایش بود. به این معنی که بدون مداخله در شرایط فعلی آزمودنی‌ها به جمع‌آوری اطلاعات در مورد آن‌ها اقدام می‌شود. همبستگی شامل کلیه تحقیقاتی است که در آن‌ها سعی می‌شود، رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی تعیین شود (دلاور، ۱۳۹۰). ابزاری که برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق در نظر گرفته شده، با توجه به مدل و نظریات عبارت‌اند از: پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک و پرسشنامه وگت. پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک که یک سنجه پنج بعدی است و شامل ابعاد پنج‌گانه اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری می‌باشد که در ایران بعد فکری آن حذف شده است. میزان اعتبار این پرسشنامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه‌های متفاوت تعیین گردیده است که حاکی از اعتبار بالای آن در ابعاد مختلف می‌باشد. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۳ بوده است و هم‌چنین به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است. مقدار آلفا برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد

مناسکی ۰/۸۳ می‌باشد (سراج‌زاده، ۱۳۷۴). پرسشنامه مدارای اجتماعی اقتباس شده از وگت نیز از دیگر ابزار پژوهش است. جهت تعیین روایی و اعتبار پرسشنامه با بررسی همبستگی بین پرسشنامه مذکور با پرسشنامه مدارای اجتماعی ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۱)، ابتدا با مشخص کردن تعداد ۵۰ نفر و اجرای پرسشنامه بر روی آن‌ها، در نهایت همبستگی ۰/۴۳ را بین آن دو نشان داد. ضریب پایایی آزمون هم با اجرا در زمان متفاوت بر روی نمونه با روش اسپیرمن براون با طول برابر ۰/۸۲ و با طول نابرابر ۰/۸۳ و با روش دو نیمه کردن گاتمن برابر با ۰/۸۹ به دست آمده است. آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سوالات برابر ۰/۸۶ به دست آمده که رضایت‌بخش است. حوزه مورد مطالعه تحقیق حاضر شهرستان کلاله می‌باشد. شهرستان کلاله یکی از شهرستان‌های ایران در استان گلستان است. شهر کلاله مرکز این شهرستان می‌باشد. جمعیت شهرستان کلاله در سال ۱۳۸۵، برابر با ۱۵۳۲۶۱ نفر بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور و آزاد شهرستان کلاله که تقریباً ۱۵۰۰ نفر می‌باشند. نمونه آماری در پژوهش حاضر ۳۰۶ نفر می‌باشد، روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای و از این قرار بود که ابتدا با به دست آوردن جمعیت دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور و آزاد کلاله و با توجه به درصد هر دانشگاه و جنسیت آن‌ها اقدام به نمونه‌گیری گردید. ابتدا با استفاده از جدول مورگان تعداد نمونه ۳۰۶ نفر تعیین گردید. از کلاس به عنوان واحد نمونه‌گیری بهره برده شد و با توجه به تعداد دانشجویان در هر کلاس که بین ۳۰ تا ۴۰ نفر متغیر می‌باشند ۱۰ کلاس انتخاب شد که در نهایت با توجه درصد تشکیل دهنده هر دانشگاه (آزاد: ۵۳/۳٪ و پیام نور: ۴۶/۷٪) و جنسیت در دانشگاه که در آخر ۱۸۵ نفر زن و ۱۲۱ نفر مرد در نظر گرفته شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق با استفاده از SPSS 19 آمار توصیفی و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون) به کار برده شده است.

یافته‌ها

نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که ۳۹/۵ درصد از آزمودنی‌ها مرد و ۶۰/۵ درصد از آزمودنی‌ها زن می‌باشند، که از میان آن‌ها ۲۱/۹ درصد از آزمودنی‌ها متأهل و ۷۸/۱ درصد از آزمودنی‌ها مجرد می‌باشند. از این میان ۴۰/۸ درصد از آزمودنی‌ها ساکن شهر و ۵۹/۲ درصد از آزمودنی‌ها در روستا زندگی می‌کنند. در رابطه با مؤلفه اعتقادی دین‌داری؛ میانگین برابر ۲۳/۲۳، پایین‌ترین نمره ۱۵ و بالاترین نمره برابر ۵۱ می‌باشد. در مورد مؤلفه عاطفی دین‌داری، میانگین برابر ۱۸/۰۱، پایین‌ترین نمره ۲۹ و بالاترین نمره برابر ۶۸ می‌باشد. در رابطه با بعد شناختی دین‌داری میانگین برابر ۴۱/۲۸، پایین‌ترین نمره ۲۹ و بالاترین نمره برابر ۶۸ می‌باشد. در مؤلفه پیامدی دین‌داری؛ میانگین برابر ۲۰/۲۱، پایین‌ترین نمره ۱۶ و بالاترین نمره برابر ۲۴ می‌باشد. مؤلفه مناسکی دین‌داری میانگین برابر ۲۲/۱۲، پایین‌ترین نمره ۱۷ و بالاترین نمره برابر ۲۸ می‌باشد. در بعد ساختاری دین‌داری میانگین برابر ۴۲/۳۳، پایین‌ترین نمره ۳۳ و بالاترین نمره برابر ۵۲ می‌باشد. در رابطه با دین‌داری میانگین برابر ۸۱/۵۸، پایین‌ترین نمره ۷۰ و

بالاترین نمره برابر ۱۱۰ و در مورد مدارای اجتماعی میانگین برابر ۹۶/۵۷، پایین‌ترین نمره ۸۰ و بالاترین نمره برابر ۱۲۰ می‌باشد.

- بین بعد شناختی دین‌داری با مدارای اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱): همبستگی بعد شناختی دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد شناختی دین‌داری با مدارای اجتماعی	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌داری بین بعد شناختی دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود دارد ($\text{sig}=۰/۰۰۰$). از سوی دیگر طبق معیار کوهن میزان ضریب همبستگی گویای شدت رابطه متوسط بین دو متغیر می‌باشد ($t=۰/۳۰۶$). بعلاوه علامت + ضریب همبستگی نیز گویای رابطه مستقیم بین دو متغیر می‌باشد، به عبارتی دیگر با افزایش میزان بعد شناختی دین‌داری، میزان مدارای اجتماعی بین دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

- بین بعد ساختاری دین‌داری با مدارای اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۲): همبستگی بین بعد ساختاری دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد ساختاری دین‌داری با مدارای اجتماعی	۰/۱۸۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌داری بین بعد ساختاری دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود دارد ($\text{sig}=۰/۰۰۱$). از سوی دیگر طبق معیار کوهن میزان ضریب همبستگی گویای شدت رابطه ضعیف بین دو متغیر می‌باشد ($t=۰/۱۸۹$). بعلاوه علامت + ضریب همبستگی نیز گویای رابطه مستقیم بین دو متغیر می‌باشد، به عبارتی دیگر با افزایش میزان بعد ساختاری دین‌داری، میزان مدارای اجتماعی بین دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

- بین میزان مؤلفه اعتقادی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۳): همبستگی بین مؤلفه اعتقادی دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مؤلفه اعتقادی دین‌داری با مدارای اجتماعی	۰/۳۱۷	۰/۰۰۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌داری بین مؤلفه اعتقادی دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود دارد ($\text{sig}=0/000$). از سوی دیگر طبق معیار کوهن میزان ضریب همبستگی گویای شدت رابطه متوسط بین دو متغیر می‌باشد ($r=0/317$). بعلاوه علامت + ضریب همبستگی نیز گویای رابطه مستقیم بین دو متغیر می‌باشد، به عبارتی دیگر با افزایش میزان مؤلفه اعتقادی دین‌داری، میزان مدارای اجتماعی بین دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

- بین میزان مؤلفه عاطفی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۴): همبستگی بین مؤلفه عاطفی دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد عاطفی دین‌داری با مدارای اجتماعی	۰/۱۷۲	۰/۰۰۳

نتایج جدول نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌داری بین مؤلفه عاطفی دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود دارد ($\text{sig}=0/003$). از سوی دیگر طبق معیار کوهن میزان ضریب همبستگی گویای شدت رابطه ضعیف بین دو متغیر می‌باشد ($r=0/172$). بعلاوه علامت + ضریب همبستگی نیز گویای رابطه مستقیم بین دو متغیر می‌باشد، به عبارتی دیگر با افزایش میزان مؤلفه عاطفی دین‌داری، میزان مدارای اجتماعی بین دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

- بین میزان مؤلفه مناسکی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۵): همبستگی بین مؤلفه مناسکی دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مؤلفه مناسکی دین‌داری با مدارای اجتماعی	۰/۳۰۹	۰/۰۰۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌داری بین مؤلفه مناسکی دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود دارد ($\text{sig}=0/000$). از سوی دیگر طبق معیار کوهن میزان ضریب همبستگی گویای شدت رابطه متوسط بین دو متغیر می‌باشد ($r=0/309$). بعلاوه علامت + ضریب همبستگی نیز گویای رابطه مستقیم بین دو متغیر می‌باشد، به عبارتی دیگر با افزایش میزان مؤلفه مناسکی دین‌داری، میزان مدارای اجتماعی بین دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

- بین میزان مؤلفه پیامدی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۶): همبستگی بین مؤلفه پیامدی دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مؤلفه پیامدی دین‌داری با مدارای اجتماعی	-۰/۰۲۴	۰/۶۸۱

نتایج جدول نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین مؤلفه پیامدی دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود ندارد (sig=۰/۶۸۱).

- بین میزان دین‌داری با مدارای اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۷): همبستگی بین میزان دین‌داری با مدارای اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
دین‌داری با مدارای اجتماعی	۰/۱۷۳	۰/۰۰۲

نتایج جدول نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌داری بین دین‌داری و مدارای اجتماعی وجود دارد (sig=۰/۰۰۲). از سوی دیگر طبق معیار کوهن میزان ضریب همبستگی گویای شدت رابطه ضعیف بین دو متغیر می‌باشد (r=۰/۱۷۳). بعلاوه علامت + ضریب همبستگی نیز گویای رابطه مستقیم بین دو متغیر می‌باشد، به عبارتی دیگر با افزایش میزان دین‌داری، میزان مدارای اجتماعی بین دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

- یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون

جدول شماره (۸): خلاصه تحلیل رگرسیون ابعاد دین‌داری (متغیر وابسته: مدارای اجتماعی)

مدل	همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۰/۳۵۰	۰/۱۲۳	۰/۱۱۷

Part2	Part	Sig.	T	Standardized Coefficients		Unstandardized Coefficients	
				Beta	Std. Error	B	
		۰/۰۰۰	۱۱/۱۰		۵/۶۰	۶۲/۱۴۸	(Constant)
۰/۰۹۱	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	۵/۴۹	۰/۲۹۶	۰/۰۹۱	۰/۴۹۸	شناختی
۰/۰۳۲	۰/۱۸۰	۰/۰۰۲	۳/۱۸	۰/۱۷۱	۰/۱۰۳	۰/۳۲۷	ساختاری

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تأثیر ابعاد دین‌داری بر مدارای اجتماعی نشان می‌دهد که با توجه به میزان ضریب تعیین ذکر شده در جدول بالا می‌توان گفت که بیش از ۱۲ درصد از واریانس مدارای اجتماعی توسط ابعاد در نظر گرفته شده برای دین‌داری تبیین می‌گردد ($R^2 = 0.123$). بعلاوه جدول فوق نشان می‌دهد که از بین ابعاد در نظر گرفته شده برای دین‌داری هر دو بعد شناختی و ساختاری وارد مدل تجربی شده‌اند. در ادامه جدول فوق نشان می‌دهد که براساس میزان مجذور آماره پارت می‌توان بیان کرد که بعد شناختی به تنهایی و با کنترل سایر ابعاد توانسته است بیش از ۹٪ از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نماید و همچنین بعد ساختاری نیز به تنهایی و با کنترل سایر ابعاد توانسته است بیش از ۳٪ از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نماید.

جدول شماره (۹): خلاصه تحلیل رگرسیون مؤلفه‌های دین‌داری (متغیر وابسته: مدارای اجتماعی)

مدل	همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۲	۰/۴۴۳	۰/۱۹۷	۰/۱۸۶

همبستگی جزئی	Sig.	T	Standardized Coefficients		Unstandardized Coefficients	
			Beta	Std. Error	B	
Part2						
	۰/۰۰۰	۱۱/۱۰۹		۷/۴۸۱	۸۳/۱۰۵	(Constant)
۰/۰۴۹	۰/۲۲۱	۳/۹۴۱۴۹	۰/۲۴۶	۰/۱۲۸	۰/۵۰۳	مؤلفه اعتقادی
۰/۰۰۴	-۰/۰۶۱	-۱/۰۵۶	-۰/۰۶۵	۰/۳۷۲	-۰/۳۹۳	مؤلفه عاطفی
۰/۱۰۵	-۰/۳۲۵	۵/۹۷۲	۰/۴۰۵	۰/۲۰۰	۱/۱۹۴	مؤلفه مناسکی
۰/۰۲۳	-۰/۱۸۳	-۳/۲۳۰	-۰/۲۱۷	۰/۲۶۹	-۰/۸۶۸	مؤلفه پیامدی

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون تأثیر مؤلفه‌های دین‌داری بر مدارای اجتماعی نشان می‌دهد که با توجه به میزان ضریب تعیین ذکر شده در جدول فوق می‌توان گفت که بیش از ۱۹ درصد از واریانس مدارای اجتماعی توسط مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای دین‌داری تبیین می‌گردد ($R^2 = 0.197$). بعلاوه جدول فوق نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای دین‌داری مؤلفه عاطفی وارد مدل تجربی نشده است. در ادامه جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس میزان مجذور آماره پارت می‌توان بیان کرد که مؤلفه اعتقادی به تنهایی و با کنترل سایر ابعاد توانسته است بیش از ۴٪ از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نماید و همچنین مؤلفه عاطفی تأثیر ناچیزی گذاشته، در ادامه مؤلفه مناسکی بیش از ۱۰ درصد از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نموده و مؤلفه پیامدی نیز با کنترل سایر مؤلفه‌ها به تنهایی بیش از ۳ درصد از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در رابطه با فرضیه اول تحقیق که بیان می‌کند بین میزان بعد شناختی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، با ملاحظه جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که با سطح معناداری $\text{sig}=0/000$ رابطه معناداری بین بعد شناختی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی وجود دارد و این نکته را نشان می‌دهد که هر چه قدر بر میزان بعد شناختی دین‌داری افراد افزوده گردد باعث افزایش در میزان مدارای افراد نیز خواهد شد. در توضیح این مطلب می‌توان گفت توکویل^۱ معتقد است که اعتقادات مذهبی نوعی انضباط اخلاقی در افراد پدید می‌آورد و در جامعه‌ای که انسجام آن مورد تهدید فردگرایی قرار گرفته، می‌تواند باعث همبستگی شود؛ زیرا این اعتقادات روح همگانی را در آن‌ها ایجاد می‌کند و مسئولیت اجتماعی افراد را یادآور می‌شود (ویلیم، ۱۳۷۷). کنت^۲ معتقد است اگر اعتقادات دینی نبود، جامعه از هم می‌گسیخت، وی از اعتقادات دینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اجماع اجتماعی یاد می‌کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می‌داند که همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را به همدیگر پیوند می‌دهد (کوزر^۳، ۱۳۸۲). هم‌چنین نتایج پژوهش با نظریات دورکیم نیز همسو می‌باشد. حال تحقیقات متعددی این نکته را به اثبات رسانده است که بین بعد شناختی دین‌داری با مدارای اجتماعی و عوامل مرتبط با آن رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش با قاسمی و امیری اسفرجانی (۱۳۹۰)، که نشان دادند از بین ابعاد دین‌داری، بعد اعتقادی بیشترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی و روابط افراد دارد همسو می‌باشد. هم‌چنین با نتیجه پژوهش چراغی و مولوی (۱۳۸۵)، که نشان دادند رابطه منفی بین افسردگی و بعد اعتقادی و مناسکی دین وجود دارد هم جهت می‌باشد. نتایج پژوهش با نتیجه فتحعلی (۱۳۷۸)، کامر (۲۰۰۵)، و با نتایج نتایج پژوهش جانسون و جانگ (۲۰۰۴)، هم جهت می‌باشد.

در رابطه با فرضیه دوم پژوهش حاضر که بیان می‌کند بین میزان بعد ساختاری دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، با رجوع به جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین بعد ساختاری دین‌داری با مدارای اجتماعی با سطح معناداری $0/001$ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید واقع گردید. یعنی با افزایش بعد ساختاری دین‌داری افراد مدارای اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌گردد. از نظریات همسو؛ پارتو، مالینوفسکی و ... اشاره کرد. حال نتیجه فوق با نتیجه میر زمانی و محمدی (۱۳۸۰)، که نشان داد بین شدت اضطراب و افسردگی با ارزش‌های مذهبی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد که پیامد ناشی از بالا رفتن ارزش‌های مذهبی کاهش افسردگی می‌باشد، هم‌چنین واتناو (۲۰۰۲)، که نشان داد عضویت در یک اجتماع دینی و انجام مناسک دینی و به طور خلاصه دین‌داری معنادارترین رابطه را با روابط اجتماعی

1. Tocqueville

2. Comte

3. Coser

درون گروهی دارد هم جهت می‌باشد. هم‌چنین نتایج فوق با نتایج کارپف (۲۰۰۲)، که نشان داد که هرچه افراد مذهبی‌تر باشند (دین‌دارتر باشند) احتمال مشارکت‌های داوطلبانه آن‌ها در برنامه‌های دینی بیشتر است نیز همسو می‌باشد.

در رابطه با فرضیه سوم تحقیق که بیان می‌کرد، بین میزان مؤلفه اعتقادی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد با رجوع به جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مؤلفه اعتقادی دین‌داری با مدارای اجتماعی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید واقع گردید. یعنی با افزایش مؤلفه اعتقادی دین‌داری افراد مدارای اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌گردد. از نظریات همسو می‌توان به دورکیم اشاره کرد که او معتقد است اعتقادات مذهبی باعث می‌شود، افراد وابسته و مطیع یک قدرت خارجی شوند (همیلتون^۱، ۱۳۷۷)، به طوری که افراد منافع شخصی خود را از یاد می‌برند، در واقع اعتقادات دینی نوعی اقتدار اخلاقی به همراه دارد که احساس ملکوتی را در افراد بیدار می‌کند (آرون، ۱۳۸۱). او معتقد است اعتقادات دینی یک دید مشترکی از جهان به افراد جامعه اعطا می‌کند که سازماندهی افراد را تسهیل می‌کند. از طرفی وبر^۲ معتقد است آموزه‌های مذهبی به انسان‌ها این طور القا می‌کند که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان ظاهری‌اند و بدین ترتیب دین می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را معنی‌دار و سامان‌مند جلوه دهد و در واقع توجیه خوشبختی و بدبختی را برای آدمیان فراهم می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷).

در رابطه با فرضیه چهارم تحقیق که بیان می‌کرد، بین میزان مؤلفه عاطفی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد با رجوع به جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مؤلفه عاطفی دین‌داری با مدارای اجتماعی با سطح معناداری ۰/۰۰۳ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید واقع گردید. یعنی با افزایش مؤلفه عاطفی دین‌داری افراد مدارای اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌گردد. از نظریات می‌توان به مالینوفسکی^۳ اشاره کرد که به زعم مالینوفسکی دین ریشه در فشارها و تنش‌های عاطفی دارد و در مشکلات به کمک انسان‌ها می‌آید و احساس آرامش را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. گیریتس نیز معتقد است، دین از طریق معنادار نمودن و قابل تحمل کردن رنج بشر و نوید غلبه نهایی عدالت در جهان به انسان، باعث ایجاد آرامش روحی و احساس خوشبختی در افراد می‌شود (ویلیم، ۱۳۷۷).

در رابطه با فرضیه پنجم تحقیق که بیان می‌کرد، بین میزان مؤلفه مناسکی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد با رجوع به جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مؤلفه مناسکی دین‌داری با مدارای اجتماعی

¹. Hamilton

². Weber

³. Malinowski

با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید واقع گردید. یعنی با افزایش مؤلفه مناسکی دین‌داری افراد مدارای اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌گردد. در این رابطه پارتر معتقد است، تمامی ادیان واجد مناسک و اعمالی هستند. این اعمال در نظر وی نوعی ابراز است که فرد را و می‌دارد تا یکپارچگی خود را با دیگر اعضای جامعه تثبیت یا ترمیم کند (آرون، ۱۳۸۱). مالدینوفسکی معتقد است کسی که به مناسک عمل می‌کند، بر اثر تخلیه عاطفی آرامش بیشتری احساس کرده و وظایفش در جامعه را به گونه مؤثرتری انجام می‌دهد. او همچنین معتقد است که مناسک نیرومندترین وسیله یکپارچگی دوباره برای گروهی است که همبستگی‌اش متزلزل شده و بهترین شیوه ترمیم روحیه تضعیف شده گروه به شمار می‌آید (همیلتون، ۱۳۷۷). به نظر دیویس^۱ مناسک جمعی دلبستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید می‌کند و یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند. دورکیم^۲ درباره مناسک، نظریه-ای تکامل یافته دارد. در نظر او همه مناسک این کارکرد اجتماعی عمده را دارند که همان حفظ جماعت، تر و تازه نگه داشتن حس تعلق به گروه است (آرون، ۱۳۸۱). دیگر آن که وی معتقد است این مناسک و ماهیت چنین گردهم‌ای‌هایی است که این همه شور و شوق برمی‌انگیزانند و شرکت‌کنندگان را به اهمیت گروه و جامعه آگاه می‌سازد و علاوه بر حفظ انسجام گروهی، وضعیت خوشایندی را به توان-مندی‌های لازم برای زندگی جمعی؛ از جمله احساس همدلی، آرامش، خوشبختی، انسجام، همبستگی، مشارکت دست می‌یابند که همگی از شاخص‌های مدارای اجتماعی است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انجام مناسک دینی بر مدارای اجتماعی تأثیر دارد.

در رابطه با فرضیه ششم تحقیق که بیان می‌کرد، بین میزان مؤلفه پیامدی دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد با رجوع به جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مؤلفه پیامدی دین‌داری با مدارای اجتماعی با سطح معناداری ۰/۶۸۱ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید واقع نگردید. این ممکن است به دلایلی مانند عدم درک سؤالات، بی‌میلی، خستگی پاسخ دهندگان و یا این که چون ممکن است در بیشتر این افراد بازخوردی از دین و پیامدهای آن ندیده باشند چنین رابطه‌ای ایجاد شده باشد.

در رابطه با فرضیه اصلی تحقیق که بیان می‌کرد، بین میزان دین‌داری با میزان مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد با رجوع به جدول مربوطه که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردیده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین دین‌داری با مدارای اجتماعی با سطح معناداری ۰/۰۰۲ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه فوق مورد تأیید واقع گردید. یعنی با افزایش دین‌داری افراد مدارای اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌گردد. در دیدگاه فوکویاما^۳ (۱۹۹۹)، ادیان و مذاهب با ترویج اندیشه‌هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد، ایثار، موجب افزایش مدارای اجتماعی می‌شوند. اما به اعتقاد وی تنها ادیانی می‌توانند

1. Davis

2. Emile Durkheim

3. Fukuyama

در این زمینه موفقیت به دست آورند که علاوه بر ایجاد اعتماد داخلی، زمینه برقراری روابط مؤثر و مفید را با دیگر گروه‌های مذهبی متفاوت ایجاد کنند. به اعتقاد جانسون و جانگ^۱ (۲۰۰۴)، نیز دین‌داران صداقت و اعتماد بیشتری در روابطشان با دیگران دارند و تشکیلات مذهبی از طریق آموزه‌های دینی همه افراد جامعه را به صداقت و حفظ ارزش‌های اخلاقی تشویق می‌کنند. حال نتیجه این پژوهش با نتیجه تحقیق سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، کامر (۲۰۰۵)، جانسون و جانگ (۲۰۰۴)، همسو می‌باشد. نتیجه این پژوهش با نتیجه کارپف (۲۰۰۲)، اندکی متفاوت می‌باشد که ایشان در تحقیق خود ذکر کرده‌اند که دین‌داری با ویژگی عمومی آن تأثیر منفی بسیار اندکی بر مدارا دارد و افراد با دین‌داری سیاسی کمتر اهل مدارا می‌باشند. همچنین در پاسخ به سؤالات تحقیق سعی می‌گردد به اهداف مورد نظر برسیم که به شرح زیر می‌باشد:

آیا بین میزان دین‌داری و میزان مدارای اجتماعی در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؟ با توجه به نتایج جدول مربوطه همان طور که ملاحظه می‌شود براساس میزان ضریب معنی‌داری ($\text{sig} = 0/002$) با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که رابطه معناداری بین دین‌داری با مدارای اجتماعی وجود دارد.

مدارای اجتماعی بین دانشجویان بیشتر متأثر از کدام بعد دین‌داری می‌باشد؟ با توجه به ادامه نتایج جدول مربوطه بیشترین میزان تأثیر بر مدارای اجتماعی مربوط به بعد شناختی دین‌داری می‌باشد ($\text{Beta} = 0/296$).

تا چه حد مؤلفه‌های دین‌داری می‌توانند میزان نوسانات مدارای اجتماعی دانشجویان را تبیین نمایند؟ با توجه به نتایج جدول مربوطه بیش از ۱۹٪ از واریانس مدارای اجتماعی توسط مؤلفه‌های دین‌داری تبیین می‌گردد ($R^2 = 0/197$).

مدارای اجتماعی بین دانشجویان بیشتر توسط کدام یک از مؤلفه‌های دین‌داری تبیین می‌شود؟ با توجه به ادامه نتایج جدول فوق بیشترین میزان تأثیر بر مدارای اجتماعی مربوط به مؤلفه مناسکی دین‌داری می‌باشد ($\text{Beta} = 0/405$).

هر یک از مؤلفه‌های دین‌داری و با کنترل سایر مؤلفه‌ها تا چه حد می‌توانند میزان نوسانات مدارای اجتماعی را تبیین نمایند؟ در ادامه جدول فوق نشان می‌دهد که بر اساس میزان مجذور آماره پارت می‌توان بیان کرد که مؤلفه اعتقادی به تنهایی و با کنترل سایر ابعاد توانسته است بیش از ۴٪ از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نماید و همچنین مؤلفه عاطفی تأثیر ناچیزی گذاشته، در ادامه مؤلفه مناسکی بیش از ۱۰ درصد از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نموده و مؤلفه عاطفی نیز با کنترل سایر مؤلفه‌ها به تنهایی بیش از ۳ درصد از نوسانات موجود در مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین نماید.

^۱ Johnson & Jang

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۸۱). **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**. ترجمه: محمدباقر، پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- افشانی، علیرضا. (۱۳۸۱). **بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهشتی، سیدصمد؛ رستگار، یاسر. (۱۳۹۱). **تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی، مسائل اجتماعی ایران**. سال چهارم، شماره دوم، صص ۳۷-۷.
- بهرامی، احسان. (۱۳۸۱). **رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود**. روان‌شناسی، جلد ۶، شماره ۴، صص ۵۳-۴۵.
- چراغی، مونا؛ مولوی، حسین. (۱۳۸۵). **رابطه بین ابعاد مختلف دین‌داری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان، مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان**. سال دوم، شماره ۲، صص ۲۲-۱.
- دلاور، علی. (۱۳۹۰). **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**. تهران: انتشارات رشد.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰). **لغت‌نامه**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ژاندرون، سادا. (۱۳۷۸). **تساهل در تاریخ اندیشه غرب**. ترجمه: عباس، باقری. تهران: نشر نی. تاریخ انتشار به زبان اصلی (بی‌تا).
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ و صابر، سیروس. (۱۳۸۳). **بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی**. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۴۲-۱۰۹.
- شاطر دل‌بزدی، صدیقه. (۱۳۹۰). **رابطه دلبستگی با بهداشت روانی و گرایش دینی در دانشجویان ارشد روان‌شناسی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.
- عبده‌الله‌پور، نازی؛ مقیمی‌آذری، محمدباقر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی اقدام، میر روح‌الله؛ و اشرفی زکی، زینب‌علی. (۱۳۸۸). **رابطه بین دین‌داری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر**. سال سوم، پیش شماره هفتم، صص ۱۷۴-۱۵۷.
- عسگری، علی. (۱۳۸۸). **گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی تهران و علامه طباطبایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دوره دوم، شماره ۸، صص ۳۴-۱.
- فتحعلی، م. (۱۳۷۸). **تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی**. قم: موسسه فرهنگی طه.
- قاسمی، وحید؛ و امیری اسفرجانی، زهرا. (۱۳۸۹). **تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دین‌داری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی**. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۲- شماره دوم، صص ۴۶-۲۱.
- کتابی، م؛ گنجی، م؛ احمدی، ی؛ و معصومی، ر. (۱۳۸۳). **دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان**. شماره ۲، صص ۱۹۲-۱۶۹.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۲). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه: محسن، ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دهم.
- میر زمانی، سیدمحمود؛ و محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **تحقیق پیرامون ارزش مذهبی در گروهی از بیماران روانی بر اساس تست مطالعه ارزش‌های آلپورت، ورنن و لیندزی، مجله حکیم**. جلد ۴، شماره ۱، صص ۵۸-۵۱.
- منظری توکلی، علیرضا؛ عراقی‌پور، نجمه. (۱۳۸۹). **بررسی رابطه بین دین‌داری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسامی واحد کرمان، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی**. شماره ۱۹، سال ۶، صص ۴۵-۱۹.
- والزر، مایکل. (۱۳۸۳). **در باب مدارا**. ترجمه: صالح، نجفی. تهران: انتشارات شیرازه.
- ویلم، ژان‌پل. (۱۳۷۸). **جامعه‌شناسی ادیان**. ترجمه: عبدالرحیم، گواهی. تهران: نشر تیبان.
- هادیانفر، حبیب. (۱۳۸۴). **احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران**. شماره ۱۱، صص ۲۳۲-۲۲۴.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). **جامعه‌شناسی دین**. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: تیبان.

- یغمایی، محمدتقی. (۱۳۸۹). **دین‌داری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- Comer, R. C. (2005). **Fundamentals of abnormal psychology**. New York: Worth Publication.
- Inayatullah, S. (2005). **Spirituality as the fourth bottom line**, *Futures*. 37, 573-579.
- Karpove, v. (2002). Religiosity & tolerance in the united states & Poland, **Journal for the scientific of religion**. 41, P.p: 267-288.
- Kelley, B., S. (2008). **Life satisfaction, religiosity/spirituality and relationship with parents in adolescents and young adults**. Submitted thesis in partial fulfillment of the equipments for the degree of doctor of philosophy, Columbia University.
- Johnson R. Byron, and Jang, Sung Joon. (2004). Explaining Religious Effects on Distress Among African Americans, **Journal for the Scientific Study of Religion**. Vol. 43, P.p: 239-260.
- Miller, G. (2003). **Incorporating spirituality in counseling and psychotherapy (Theory and technique)**. New Jersey: John Wiley.
- Ounagh, N., Martin, Abdul., Onagh, M. (2012). **Social capital & Quality of life**. A comparative study of Delhi and Tehran. Saarbrücken: Germany, LAP.
- Phelps, E. (2004) **White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism**. Dissertation, New York University.
- Sawatzky, R. Ratner, P. A. & Chiu, L. (2005). A metaanalysis of relationship between spirituality and quality of life, **Social Indicators Research**. 72, P.p: 153-188.
- Wulff, D., M. (1997). **Psychology of Religion: Classic and Contemporary Views**. New York: John Wiley.
- Wuthnow, R. (2002). Religious involvement and status-bridging social capital, **Journal for the Scientific Study of Religion**. 41, P.p: 669-684.
- Yeung, A. Birgitta. (2004). An Intricate Triangle- Religiosity, Volunteering, and Social Capital: The European Perspective, the Case of Finland, **Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly**. Vol. 33, P.p: 401-422.
- Zinnbauer, B. J. & Pargament, K. (2005). **Religious and spirituality**. Handbook for the Psychology of religion, New York: Guilford Press.
- Zullig, K. J., Ward, R., M. & Horn, T. (2006). The association between perceived spirituality, religiosity and life satisfaction: the mediating role of self-rated health, **Social Indicators Research**. 79, P.p: 255-274.